

در محضر نور

امیرالمؤمنین حضرت علیعلیه السلام

يَا أَشْرَى الرَّغْبَةِ أَقْصَرُوا، فَإِنَّ الْمَعْرَجَ عَلَى الدُّنْيَا لَا يُزَوَّعُهُ وَلَهَا إِلاَّ صَرِيحٌ أَثِيَابُ الْجِدَّتَانِ، أَتَّهَى النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْذِيبَهَا وَاعْدُّوْا بِهَا عَنْ صَرَاوَعِ عَادَاتِهَا.

ای اسیران خواهش‌های نفس، درنگ کنید. زیرا کسی را که به دنیا گرویده است، نترساند، مگر صدای دندان‌های حوادث. ای مردم، خود خویششتن را ادب کنید و نفس خود را از عادت‌های زشتی که به آن خو گرفته‌اید باز گردانید.

نهج البلاغه حکمت ۳۵۹

حجاب و پیشنه‌داتی درباره قانون حجاب و عفاف

حجت‌الاسلام والمسلمین علی امینی‌نژاد

باری مدیریت حکیمانه مسأله حجاب با راه‌اندازی میزها و غرفه‌های گفت‌وگو، تساهل با توده‌های مردم، شدت عمل و مطالبه‌گری اکید بر بخش دوم و سوم قانون، به فرصتی برای نظام و انقلاب تبدیل خواهد شد. پیشنهاد می‌شود، همه نهادهای فرهنگی از جمله صداوسیما، آموزش‌وپرورش، دانشگاه‌ها و... طرح عمومی گفت‌وگو درباره حجاب را در دوره‌های مشخصی مانند: ایام محرم و صفر و رمضان در سطح کشور و به‌طور ویژه در خیابان‌ها، پارک‌ها و مراکز خاص راه‌اندازی کنند.

حجت‌الاسلام علی امینی‌نژاد پیشنهاداتی درباره قانون حجاب و عفاف به شرح ذیل نگاشته‌اند.

لازم می‌دانم درباره حجاب چند نکته ارائه شود:

۱. قانون اخیر حجاب مصوب مجلس شورای اسلامی که دولت محترم از اجرای آن استنکاف کرد، شامل سه بخش است؛ بخشی از آن مربوط به حداقل پوشش زن و مرد است. بخش دیگری از آن تکلیف عوامل مؤثر در ترویج بی‌حجابی را مشخص می‌کند و بخشی از آن نیز، مربوط به حجاب و عفاف اسلامی است.

۲. آنچه مربوط به بخش نخست است، مربوط به حجاب اسلامی نیست؛ بلکه هر جامعه‌ای به‌حسب هنجارها و عرف غالب، قوانینی را درباره آن اعمال می‌کند. پیشنهاد می‌شود، این بخش از قانون حجاب، از آن قانون جدا و به اسم «قانون حداقل پوشش» (بدون به‌کارگیری هیچ عنوان و واژه دینی) ابلاغ و اجرا شود. در ضمن بهتر است، بار اول و دوم صرفاً تذکر داده شود و از بار سوم جریه‌ها شروع شود.

۳. بخش دوم قانون که مربوط به عوامل گسترش‌دهنده بی‌حجابی یا بی‌عفتی است، مثل فعالیت‌های تبلیغاتی، سلبریتی‌ها و مانند آنها نیز، به بخش نخست ملحق شود و به‌صورت بسیار شدید و اکید اعمال شود.
۴. بخش سوم قانون حجاب که وظایف نهادهای قانونی در مسیر تکریم و ترویج حجاب و عفاف را مشخص می‌کند، ذیل عنوان درست «قانون عفاف و حجاب در راستای تقویت خانواده» ابلاغ شود.

تجربه‌های نزدیک به مرگ: واقعیت یا خیال

حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا گودرزی

تجارب نزدیک به مرگ در ظرف عالم مثال رخ می‌دهد که قوه خیال در آن نقش زیادی دارد؛ ضمن اینکه گاهی القانات شیطانی و گاهی رؤیای صادقه هم، برای افراد خاص وجود دارد. به گزارش مجمع عالی حکمت اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا گودرزی، استاد حوزه علمیه قم، ۲۲ آذر در نشست «تحلیل عقلی تجربه‌های نزدیک به مرگ» که از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد، با بیان اینکه دانشمندان از مناظر مختلف به تحلیل این پدیده پرداخته‌اند، افزود: در مورد اینکه به چه تجربه‌ای تجربه نزدیک به مرگ می‌گوییم، اختلاف وجود دارد؛ برخی ۹ مؤلفه و برخی ۱۵ مؤلفه برای آن می‌آورند. یک استاد روان‌شناسی معتقد است که تجارب نزدیک به مرگ، دارای چند مرحله است؛ ولی سه مرحله در آنها مشترک است؛ یکی خروج از بدن یا عدم توجه نفس به بدن و دوم کسب آگاهی‌های نامتعارف و سوم بازگشت به بدن.

حجت‌الاسلام والمسلمین گودرزی، با بیان اینکه خیلی از تحلیل‌های غربی جامع و کافی نیست، به تبیین عقلی این تجارب از منظر فلاسفه اسلامی پرداخت و گفت: مشهور فلاسفه به سه عالم عقل و مثال و ماده اشاره دارند؛ یعنی نواقص عالم ماده در عالم مثال و نواقص عالم مثال در عالم عقل وجود ندارد؛ لذا ما در تبیین و تحلیل تجارب نزدیک به مرگ، محدود به عالم ماده نیستیم.

وی با بیان اینکه تجارب نزدیک به مرگ در کدام عالم رخ می‌دهد، تصریح کرد: عالم ماده حس بالعیان است؛ لذا نیاز به توضیح ندارد؛ خصوصیت عالم مثال هم این است که از ماده مجرد است و موجودات در آن، امتداد مادی ندارند؛ لذا تفسیرناپذیر هستند؛ موجودات مثالی متنوع هستند و چون مادی نیستند، نسبت به هیچ کمال و وصفی بالقوه نیستند. براساس رابطه علیت، نقص موجودات مادی را ندارند و با حواس ظاهری قابل درک نیستند.

• **عالم مثال؛ ظرف تجارب نزدیک به مرگ**

وی در ادامه افزود: تجربه‌گران نزدیک به مرگ این نوع تجارب را برای ما بیان کرده‌اند؛ یعنی حوادث و آدم‌ها، امتداد مادی نداشته و محدود به زمان و مکان نبوده‌اند؛ حزن و شادی و لذتی که در آنجا درک کرده‌اند، به‌مراتب برتر از درک و لذتی است که در دنیای مادی درک کرده‌اند و ادراک آنان، توسط حواس ظاهری صورت نگرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت تجارب نزدیک به مرگ، در ظرف عالم مثال رخ می‌دهد؛ البته عالم مثال، هم متصل و هم منفصل است و بین این دو، تفاوت اساسی وجود دارد؛ از جمله اینکه موجودات مثالی، منفصل، مستقل و قائم‌به‌ذات هستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین گودرزی، با اشاره به مبانی انسان‌شناسی، اظهار کرد: غالب اندیشمندان ما معتقدند که انسان موجودی ذومرآتپ است و این موضوع به‌خصوص در حکمت صدرایی خود را نشان می‌دهد؛ یعنی انسان یک مرتبه مادی کالبدی دارد و یک نفس که مرتبه میانی و برزخی وجود او را نشان می‌دهد؛ به‌همین دلیل نفس او، ویژگی عالم مثال و موجودات مثالی را دارد؛ ولی نفس برخی انسان‌ها می‌تواند به تجرد مثالی برسد. نفس، وظیفه تدبیر بدن مادی را بر عهده دارد؛ لذا هرقد نفس متوجه بدن باشد، از ساخت مجرد و مثالی و

• **سخن بزرگان**

آیت‌الله سیدعلی آقای قاضیرحمته الله

خود را فریب ندهید! دنیا ما را به خود مشغول ساخته، ما را فریفته و به بیراهه کشانده است. اما دنیا از آن ما نیست؛ خوشا به حال مردانی که وجودشان در تاسوت است، ولی دل هایشان در ملکوت! اینان همان‌هاند که در ظاهر کم‌شمارند، ولی در حقیقت بسیارند.

صفحات من تاریخ الأعلام في النجفالأشرف، ج ۱، ص۱۸۵–۱۸۸



بدهد، نگاه‌داشت بقیه خاकरیزها آسان نخواهد بود. دشمن نیز برنامه‌ریزی‌های چند لایه‌ای برای ادامه کار در پیش دارد.

۱۰. هیچ تردید نکنیم، آنهایی که امروز می‌کوشند، مسئولان نظام را قانع سازند تا در مسأله حجاب کوتاه بیایند، فردا و به‌ویژه آن‌هنگام که آسیب‌های اخلاقی برآمده از ولنگاری پوشش جامعه را فرا گرفت، همان‌ها زبان به نکوهش نظام می‌گشایند. همان‌ها که در جمهوریت نظام را خدشه می‌کنند، درادامه اسلامیت آن را نیز زیر سؤال خواهند برد. هیچ تردید نکنیم، همان‌ها که امروز بر طبل قانون‌زدایی از حجاب می‌کوبند، فردا با خدشه‌کردن در بعد اسلامیت نظام، دل متدینان طرفدار نظام را خالی خواهند کرد. فردا همان‌ها خواهند گفت: نظام برای حفظ خود حاضر شد، از مسأله مسلم دینی حجاب عبور کند. بنابراین چرا باید دینداران پشتیبان نظام باشند. باری مدیریت حکیمانه مسأله حجاب، با راه‌اندازی میزها و غرفه‌های گفت‌وگو، تساهل با توده‌های مردم، شدت عمل و مطالبه‌گری اکید بر بخش دوم و سوم قانون، به فرصتی برای نظام و انقلاب تبدیل خواهد شد.

فرد برگشت دارد، اظهار کرد: احتمال دیگر هم این است که فرد واقعا وارد عالم مثال شده و مشاهدات حقیقی داشته باشد؛ چنانچه رؤیای صادقه واجد این ویژگی است و اگر تجربه‌گر مرگ، وارد این عالم شود، مشاهدات او واقعی است؛ ولی قطعاً توانایی این مسأله برای هرکسی میسر نیست و افراد خاصی می‌توانند وارد شوند. مسأله دیگر پیش‌آموخته‌های فرد است؛ یعنی خیال انسان تحت تأثیر آرزو و حب و بغض و زمینه‌های فرهنگی افراد و ... است و می‌تواند تأثیرگذار باشد.

وی افزود: در برخی گزارش‌ها آمده است که ما در بین دختران تجربه‌گر در آمریکا ندیده‌ایم که این دختران در باغ‌ها(در حین تجربه) رقص و شادی کنند؛ ولی جوانان هندی بیشتر این درک را دارند؛ زیرا اساساً این ویژگی در زندگی هندی‌ها رواج بیشتری دارد؛ آنچه تجربه‌گران مرگ گزارش می‌کنند، می‌تواند امور برساخته از پیش‌داشته‌ها باشد. خانم پزشکی که عاشق گل و باغبانی است، در تجربه خود باغ بزرگی می‌بیند که مملو از گل و سبزه‌های معطر است؛ لذا در تحلیل تجارب نزدیک به مرگ، نباید از این پیش‌داشته‌ها غفلت کنیم.

گودرزی با بیان اینکه تجربه‌گران گزارش‌هایی از عالم ماده و اتاق عمل مجاور و ... هم دارند، تصریح کرد: این گزارش‌ها با آموزه شهود حسی نفس قابل تبیین است؛ یعنی براساس حکمت صدرایی، خود نفس بیننده و شنونده است؛ به‌تعبیر دیگر اندام‌های حسی سبب شده است که نفس ما تنزل پیدا کرده و مستقیماً با عالم ماده مرتبط شود. در این مرحله، خود نفس گوش شنوا و چشم بیناست. طبیعتاً وقتی نفس خودش می‌شنود و می‌بیند، بعد از کنار رفتن قوای مادی بدون محدودیت می‌بیند و می‌شنود و حتی می‌تواند بر نفس دیگری اثر بگذارد و عالم را مطیع خود کند.

این استاد حوزه علمیه قم، با بیان اینکه بیشتر تجربه‌گران مرگ، توانایی بدنی برای حس ندارند؛ ولی نفس آنان سلطه بیشتری بر حواس دارد؛ لذا مشاهداتی بیرون از فضای خود هم دارند، افزود: تجربه‌گران مرگ از بدن ذات صحبت می‌کنند؛ نفس موجودیت است که ارتباط ذاتی دارد؛ پس در این حالت با بدن مثالی مرتبط می‌شود؛ لذا این تجربه‌گران، بدن مثالی خود را در حین تجربه مرگ ملاحظه می‌کنند.

اف‌جوز

- سال بیست و سوم
- شماره ۸۲۹
- دوشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۳
- صفحه ۵۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

- صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
- مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضاستمی
- سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
- تلفن: ۰۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۰۳۲۹۰۱۵۲۳
- صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
- نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
- پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
- پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
- کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰ (۴۱)

• **عطریار**

درمان درد ما

قاسم اردکانی

باید برای درک حضورش دعا کنیم خود را از این جهان خیالی جدا کنیم هرگز برای پر زدن از پيله دير نيست از جنس عشق، بال و پری دست و پا کنیم گم کرده‌ایم ما خودمان را و لازم است در ندبه‌ها شکایت از این ماجرا کنیم در حیرتم از این که غریبیم و باز هم هرگز نشد که یادی از آن آشنا کنیم شرط است در طریق محبت که جان خویش همواره از تعلق عالم رها کنیم ما از هر آنچه غیر رخ دوست خسته‌ایم بی او چگونه با دل بیچاره تا کنیم؟ «خورشید را برای ظهور آفریده‌اند» فکری برای رفتن این ابرها کنیم تنها حضور اوست که درمان درد ماست باید برای درک حضورش دعا کنیم

• **یادداشت**



با اهل قلم (۷)
مرز نوآوری و حریم‌شکنی
استاد جوادمعدنی

برخی معتقدند در وادی ادبیات، توصیف زشتی‌ها و ترسیم ناپاکی‌ها و هرزگی‌ها، نوعی از هنر و ادبیات است. گویا تفاوتی میان گل و زباله و خردمندی و جنون نمی‌بینند و بین الماس و خرف و گوهر و خاک، فرقی نمی‌شناسند و هر دورا به یک چشم می‌بینند و به یک اندازه بها می‌دهند! اگر غرب در این وادی افتاده و به‌خاطر رهایی از قید و بند اخلاق و ارزش‌های انسانی چنین سرنوشتی یافته، ادیب و شاعر و هنرمند مسلمان و شرقی چرا باید چنین باشد؟ آنان زشت و زیبا و خوب و بد و والایی و پستی را به یک‌گونه توصیف و ترسیم می‌کنند؛ حتی گاهی زشت‌نگاری و ترسیم وقاحت و بیان هرزگی‌ها برای آنان به‌عنوان یک سبک و مکتب ادبی و هنری به‌شمار می‌رود که پیروان و داعیه‌دارانی دارد. شاید می‌خواست‌اند، در ادبیات و هنر نوآوری کنند! ولی اگر کسی در ابداع کم آورد، باید به‌سمت و سوی بدعت برود؟

اگر کسی دنبال جذب مخاطب بیشتر بود، باید به این مجال و میدان باز و بی‌مرز پای بگذارد که پیشتر کسی بدان نپرداخته است؟

آیا می‌پندارند، هر نوآوری و مرزشکنی انسان را جاودانه می‌سازد؟ آیا هر نوع سنت‌شکنی و عبور از خط قرمز، نام فرد را در لیست صاحبان مکتب ادبی و سبک هنری وارد می‌سازد و او را قهرمان می‌کند؟ برخی می‌خواهند، آفاق تازه‌ای بگشایند؛ ولی حریم‌شکنی را وسیله قرار می‌دهند؛ حتی در مسائل اعتقادی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی!

ولی آیا هر گشودن افق به آینده و هر میدان تازه و راه نو، مطلوب است؟ گاهی این‌گونه نوآوری‌ها، همراهی با شیطان است و چنین مرزشکنی و نوآوری و آفاق‌گشایی، خلاقیّت مطلوب نیست. هر هتاکي و فحش و تقدّس‌زدایی هم، به‌نام نقد و آزادی قلم، بیان و هنر به‌حساب نمی‌آید.

شگفت آن‌که کسانی به‌جای عطر دانش و بصیرت، مشام‌شان به این‌گونه آلايش‌های قلمی خو می‌گیرد و از آن لذت هم می‌برند! بعضی برای ارضای خودخواهی و رسیدن به دیده‌شدن، به لجن‌پراکنی می‌پردازند.

مطرح‌شدن به چه قیمت؟ و شهرت با چه وسیله؟

ادامه دارد...



کانال هفته‌نامه افق حوزه

در پیام‌رسان‌های سروش و ایتا

@ofogh_howzah